

# 5<sup>th</sup> National Conference on Management & Humanistic Science Research in Iran

5 July 2018 - Tehran University

پنجمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران  
۱۴ تیر ۱۳۹۷ دانشگاه تهران



## بررسی جرم انگاری ارتداد در حقوق ایران و بین الملل

### Study on the crime of Apostasy in Iran and international Law

حجت الاسلام صفدر محمدی

عضو هیئت علمی دانشگاه ارومیه

facultystaff.urmia.ac.ir/s.mohammadi

دکتر سلمان علیپور قوشچی

استاد دانشگاه ارومیه

S.alipoor@hotmail.fr

معصومه کریمی

دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه ارومیه (نویسنده مسئول)

ms.karimi18@gmail.com

1

#### چکیده

ارتداد به معنای عدول از دین اسلام و ورود به کفر است. با انکار یکی از ضروریات دین (خدا، نبوت، معاد) محقق می‌شود. بر دو قسم فطری و ملی است. مجازات آن در فقه اعدام است. در قانون به ماده‌ای برنمی‌خوریم که صراحتاً ارتداد را جرم انگاری کرده باشد ولی قاضی به استناد یکی از مواد قانونی ۵۱۳، ۲۶۲، ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی و اصل ۱۶۷ قانون اساسی به جرم انگاری و مجازات مرتدان می‌پردازد. عنصر مادی آن اظهار موجبات ارتداد و سوءنیت عام آن عمد و قصد مرتکب در انکار ضروریات دین و سوءنیت خاص آن علم و آگاهی به ارتداد و مرتد شدن فرد با انکار ضروریات دین است. حقوق بین‌المللی آن را ناقض حقوق بشری دانسته و معتقد است همان‌گونه که فرد حق انتخاب دین و مذهب را دارد حق تغییر دین و مذهب را نیز باید داشته باشد. مقاله مزبور به تحلیل جرم انگاری ارتداد در کشور با استناد به مواد قانونی و حقوق بشر با دو رویکرد آزادی بیان و مذهب می‌پردازد.

واژگان کلیدی: ارتداد، مرتد، حقوق بشر، آزادی بیان، آزادی مذهب.

# 5<sup>th</sup> National Conference on Management & Humanistic Science Research in Iran

5 July 2018 - Tehran University

پنجمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران  
۱۴ تیر ۱۳۹۷ دانشگاه تهران



## مقدمه

ارتداد به معنای خروج از دین، در مکتب اسلام آیات و روایات بسیاری را به خود اختصاص داده است. از نظر فقها، احکام ارتداد صرفاً در خصوص کسانی قابل اجراست که پس از پذیرش اسلام به نحوی کفر خویش را اظهار دارند، در نتیجه صرفاً اعتقاد به کفر مادامی که به مرحله اعلان و اظهار نرسیده، آثار ارتداد را نخواهد داشت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی قوانین عرفی جای خود را به قانون شرع مقدس داد و بسیاری از اعمال و رفتار در چارچوب حدود و تعزیرات جرم انگاری شد، اما ارتداد هیچ‌گاه به صورت مستقیم در زمره جرایم قرار نگرفت. البته در قانون اساسی و برخی مواد قوانین عادی مقرر گردید چنانچه دست قاضی از مواد قانونی کوتاه شد، حق ندارد از رسیدگی به دعوی و صدور حکم امتناع کند؛ بلکه باید با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید (اصل ۱۶۷ قانون اساسی). با توجه به اینکه قانون عادی از احصای برخی جرایم شرعی طفره رفته و سخنی از حد مرتد، ساحر و جادوگر، بدعت گذار در دین و... به میان نیاورده و با توجه به قاعده فقهی نفی عقاب بلا بیان و قاعده زیربنایی اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها در حقوق عرفی و با توجه به شدت مجازات مرتد که سلب حیات بوده و حیات و حفظ خون افراد محترم بوده، لذا مراجعه به اصل مزبور با توجه به عدم سازگاری آن با دلایل موجود کافی به نظر نمی‌رسد. اسناد بین المللی نیز با اذعان به آزادی تفکر، مذهب و بعضاً تغییر مذهب به عنوان حقوق عام بشری برای کلیه انسان‌ها، تعیین مجازات برای ارتداد را نافی حقوق بشر تلقی می‌نماید. بنابراین در این نوشتار با بررسی مواد موجود در قانون داخلی و بین المللی به روش توصیفی- تحلیلی جرم انگاری ارتداد مورد بررسی و مذاقه قرار می‌گیرد.

## ۱. مفهوم ارتداد

ارتداد، واژه‌ای عربی، مصدر ثلاثی مزید باب افتعال از ریشه «دد» است. در لغت به معنی بازگشت، بازگرداندن و رجوع آمده است (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳۸۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۶: ۱۸۵؛ جوهری، ۱۴۰۴: ۴۷۳). دربرگیرنده معنی طلب و خواستن است، یعنی در مورد شخصی که مایل به رجوع و بازگشت است به کار می‌رود.

در اصطلاح خارج شدن فرد مسلمان از اسلام و ورود به کفر است و مرتد کسی است که به آیین اسلام بعد از پذیرش، پشت کرده با گفتار یا عمل کفرآمیز، دین و آیین دیگری را پذیرفته باشد (محقق حلی، ۱۳۸۹: ۱۸۳؛ امام خمینی، ۱۴۰۴: ۳۹۲؛ ابن قدامه، بی تا: ۷۴؛ الجنیدی، ۱۴۱۶: ۲۵۱؛ الرافعی القزوی، ۱۴۱۷: ۹۸). که یا با انکار یکی از اصول سه گانه اسلام، یعنی توحید و نبوت و معاد صورت می‌گیرد، یا با انکار یکی از ضروریات دین اسلام به شرط آنکه به انکار یکی از اصول سه گانه دین اسلام منجر گردد (الجبلی العاملی، ۱۴۱۰: ۳۳۳). در اصطلاح حقوقی به طور مستقل تعریف نشده و تمام تعاریفی که از این واژه وجود دارد مربوط به متون دینی است. دلیل این امر «مصالحی بوده که قانون گذار به واسطه آن‌ها از طرح این حد، خودداری کرده و عدم طرح این حکم، آگاهانه صورت گرفته است» (روزنامه خراسان، ۱۳۸۱/۸/۲۵) نه از روی نسیان و غفلت.



# 5<sup>th</sup> National Conference on Management & Humanistic Science Research in Iran

5 July 2018 - Tehran University

پنجمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران  
۱۴ تیر ۱۳۹۷ دانشگاه تهران

فقه‌های امامیه ارتداد را بر دو قسم فطری و ملی تقسیم کرده‌اند (شیخ طوسی، ۱۴۰۰: ۵۹؛ امام خمینی، ۱۴۰۴: ۳۲۹؛ جبعلی‌العالمی، ۱۳۹۹: ۳۵۸). ظاهراً اهل سنت این نوع تقسیم بندی را که میان فقه‌های امامیه رایج است نپذیرفته و استدلال آن‌ها این است که ما در کتاب و سنت سراغ نداریم بین مسلمانی که بر کفر زاده شده باشد یا اسلام، تفاوتی قائل شده باشند (جبعلی‌العالمی، ۱۳۹۹: ۳۵۹). شرایط تحقق آن را بلوغ، عقل، اختیار، علم به مضمون لفظ و قصد داشتن مدلول لفظی و انکار آن به طور جدی دانسته‌اند. که از طریق اقرار و بینه نیز اثبات می‌شود (رحیمی، ۱۳۷۹: ۱۵۵-۱۵۲). همه مذاهب اسلامی نیز آن را جزء جرم‌های موجب مجازات دانسته‌اند، اما برخی از فقها ارتداد را جزء حدود و برخی دیگر جزء تعزیر بر شمرده‌اند (فیض، ۱۳۷۹: ۴۱۶).

## ۲. بررسی جرم انگاری ارتداد در حقوق ایران

در قانون مجازات اسلامی - که بسیاری از مواد قانونی آن در رابطه با حدود، قصاص و دیات از کتب فقهی مانند شرایع و تحریر الوسیله گرفته شده - ارتداد را به عنوان جرم معرفی نکرده‌اند (محقق داماد، ۱۳۸۰: ۱۰ و ۱۱). بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در سال ۱۳۶۱ نیز، زمانی که برخی از فقه‌های شیعه در صدد تدوین مباحث حدود، قصاص و دیات برآمدند، اسمی از ارتداد نبردند، و حدود ۹ سال بعد قانون مجازات اسلامی، در تاریخ ۱۳۷۰/۵/۸ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید که با توجه به ایراد شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، آن را با اصطلاحاتی تصویب کرد، باز هم هیچ‌گونه اشاره‌ای به ارتداد نشد. قانون‌گذار ایران در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز هنگامی که مصادیق حدود را برمی‌شمرد، اشاره‌ای به ارتداد نکرد. این در حالی است که با توجه به عدم جرم انگاری صریح ارتداد در قانون ما شاهد مجازات افرادی از جمله سلمان رشدی، یوسفی اشکوری، هاشم آغاجری، سید علی غرابات، حسین سودمند و... به جرم ارتداد هستیم. با توجه به ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: «هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم محسوب می‌شود» و بنابر اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها و قاعده فقهی «نفی عقاب بلا بیان»<sup>۲</sup> ارتداد در صورتی می‌تواند جرم باشد که در قانون موادی به آن اختصاص داده شده باشد و صرف جرم بودن عمل در شریعت کافی نیست؛ بلکه برای ضمانت اجرایی آن در محدوده قانون، باید مورد تصویب قانون‌گذار هم قرار بگیرد. ارتداد هر چند در فقه دارای حکم است و جرم شناخته می‌شود؛ اما از آن‌جا که در قانون برای آن مجازاتی تعیین نشده است، جرم قانونی نیست، لیکن با تمام این تفاسیر برخی از نویسندگان به اصل ۱۶۷ قانون اساسی مصوب ۱۳۶۸ «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقض یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد»، ماده ۲۹ قانون تشکیل دادگاه‌های کیفری یک و دو مصوب آذر ۱۳۶۸ «احکام دادگاه‌های کیفری باید مستدل و موجه بوده و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که براساس آن حکم صادر شده

۱. «هیچ عملی جرم نیست مگر اینکه در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد». این اصل با مواد ۲، ۱۰، ۱۲، ۱۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، اصل‌های ۳۶ و ۱۶۹ قانون اساسی و ماده ۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ برابری می‌کند.

۲. کیفر کردن شخصی که از جانب شارع و مولا بیانی بر تکلیف، به وی نرسیده، در نزد عقل زشت و ناپسند است، «ما کُنَّا مَعْدَبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا».



# 5<sup>th</sup> National Conference on Management & Humanistic Science Research in Iran

5 July 2018 - Tehran University

پنجمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران  
۱۴ تیر ۱۳۹۷ دانشگاه تهران



است. دادگاه‌ها مکلفند حکم هر قضیه را در قوانین مدونه بیابند و اگر قانونی نباشد با استناد به منابع فقهی یا فتاوی معتبر حکم هر قضیه را صادر نماید و دادگاه‌ها نمی‌توانند به بهانه سکوت یا نقض یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به شکایات و دعاوی و صدور حکم امتناع ورزند»، ماده ۸ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ «قضات دادگاه‌های عمومی و انقلاب مکلفند به دعاوی و شکایات و اعلامات موافق قوانین موضوعه و اصل یکصد و شصت و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران رسیدگی کنند و حکم قضیه مطروحه را صادر نمایند»، ماده ۲۸۹ اصلاحی قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۶۱ «احکام دادگاه‌های کیفری باید مستدل و موجه بوده و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که براساس آن حکم صادر شده است»، ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ «در مورد حدودی که در این قانون ذکر نشده است طبق اصل ۱۶۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران عمل می‌شود»، ماده ۳۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ «... رأی دادگاه باید مستدل، موجه و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که براساس آن صادر شده است»، ماده ۲۶ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ اصلاحی ۱۳۷۹ «هر کس به وسیله مطبوعات، به دین مبین اسلام و مقدسات آن اهانت کند در صورتی که به ارتداد منجر شود، حکم ارتداد، در حق وی صادر و اجرا و اگر به ارتداد نینجامد، طبق نظر حاکم شرع براساس قانون تعزیرات، با وی رفتار خواهد شد» و ماده دیگری از قوانین موضوعه استناد کرده و درصدد اثبات این مطلب هستند که ارتداد را

از نظر قانونی، جرم به حساب آورند. بنابراین لازم است نحوه رجوع و استناد قاضی (دادرس) به هر یک از این مواد را مورد بررسی قرار دهیم:

الف) اصل ۱۶۷ قانون اساسی، ماده ۲۹ قانون تشکیل دادگاه‌های کیفری یک و دو، ماده ۸ قانون تشکیل دادگاه‌ها عمومی و انقلاب، ماده ۲۸۹ اصلاحی قانون آیین دادرسی کیفری، ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی، ماده ۳۷۴ قانون آیین دادرسی

درباره اصل ۱۶۷ قانون اساسی ذکر چند نکته ضروری است:

۱. اصل ۱۶۷ به گونه‌ای تنظیم شده که به دلیل وجود برخی اصطلاحات تخصصی (از قبیل: دعوی، منابع معتبر اسلامی، فتاوی معتبر، قضیه و...) تفسیربردار است. اگر چه تاکنون تفسیری رسمی از این اصل توسط شورای نگهبان صورت نگرفته است، اما شاید بتوان گفت قاضی مجتهد می‌تواند به منابع معتبر اسلامی (فقهی مانند کتاب شرائع، جواهر، شرح لمعه، مکاسب، تحریرالوسیله و...) مراجعه کند و قاضی غیرمجتهد فقط می‌تواند به فتاوی معتبر استناد نماید. این مطلب را از مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (مورخ ۱۳۵۸/۸/۱۴) می‌توان استنباط کرد.

۲. اصل ۱۶۷ قانون اساسی که رجوع به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر را روا و به تعبیری دیگر، قانونی می‌داند، با اصل ۳۶ (حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد) تعارض دارد، پس نمی‌توان ارتداد را از نظر موازین حقوقی، جرم محسوب کرد. دکتر صادقی با این نظر موافق نبوده و می‌گوید: اصل ۱۶۷ هرگز مغایر با اصل قانونی بودن جرم نبوده بلکه احکام شرعی در زمره قانون محسوب و همان آثار را داراست (صادقی، ۱۳۷۸: ۲۲).



# 5<sup>th</sup> National Conference on Management & Humanistic Science Research in Iran

5 July 2018 - Tehran University

## پنجمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران

۱۴ تیر ۱۳۹۷ دانشگاه تهران

این نکته را باید در نظر داشت که؛ در بررسی اصل ۱۶۷ و اصل ۳۶ قانون اساسی، وقتی عبارت «تعارض» را به کار می‌بریم، منظور ما تعارض ظاهری است نه تعارض اصطلاحی و اصولی، به تعبیر صاحب کفایه: تعارض یعنی «تنافی الدلیلین او الادله بحسب الدلالة و مقام الاثبات علی وجه التناقض او التضاد» (خراسانی، ۱۴۲۱: ۴۹۷) و با توجه به این که در مقام صدور و تشریح بین این دو اصل تعارض نبوده، با عنایت به امکان جمع بین حکم عام اصل ۱۶۷ و حکم خاص اصل ۳۶، براساس قاعده جمع عرفی «الجمع مهمما ممکن اولی من الترتک» عام را بر خاص حمل می‌کنیم و خاص را مقدم می‌داریم.

۳. نکته دیگر این است که آیا اصل ۱۶۷ ناظر به امور مدنی و محدود به دعاوی حقوقی است یا این که شامل مسائل کیفری - از قبیل ارتداد - نیز می‌شود؟ استاد کاتوزیان معتقد است: «اصل ۱۶۷ ناظر به امور مدنی است نه کیفری، زیرا امکان استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر با اصل قانونی بودن مجازات‌ها، که در اصل ۳۶ اعلام شده است، تعارض دارد. پس جمع بین دو اصل، بدین‌گونه است که حکم عام اصل ۱۶۷ در اثر حکم خاص اصل ۳۶ در امور کیفری، مخصوص به مواردی شود که دادگاه حکم به مجازات نمی‌دهد» (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۲۳۴).

۴. نکته بسیار مهمی که نباید آن را نادیده گرفت این است که از نظر فقهی، در صورت ثبوت ارتداد، شخص مرتد، مجرم و محکوم به مجازات است اما آیا در نظام حقوقی ایران - که نوعاً مبتنی بر قانون است - قاضی می‌تواند با توجه به نظر اجتهادی خویش یا بحث نظر فقها و مراجع تقلید، حکم ارتداد را صادر و اجرا کند؟ ضمن آن که اگر قاضی بخواهد از مواد قانونی، تفسیری ارائه کند (تفسیر قضائی) باید برابر با موازین حقوقی باشد. اگر چه ظاهر اصل ۱۶۷ حاکی از قبول تفسیر موسع توسط قاضی حتی در قوانین جزائی است اما براساس اصل قانونی بودن جرم و مجازات و سایر اصول مسلم حقوق جزا، تفسیر در قوانین کیفری باید محدود و مضیق باشد. و از آنجایی که یکی از بدیهیات اصول حقوق جزا این است «قانون جزا به نفع متهم تفسیر می‌شود» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۴: ۷۷۴) و قاضی نباید اصرار به ورود اتهام داشته باشد، بلکه باید قانون را به نفع متهم تفسیر کند یا دست کم طوری تفسیر کند که سکوت یا ابهام قانون به ضرر متهم، تمام نشود. در فقه اسلامی به همین معنا، قاعده «درء»<sup>۳</sup> را به کار می‌برند (امیرزاده، ۱۳۸۲: ۱۲۷).

برخی از حقوقدانان (نوربها، ۱۳۷۵: ۱۷۰؛ صادقی، ۱۳۷۸: ۲۲) ماده ۲۸۹، ماده ۲۹، ماده ۲۲۰، ماده ۳۷۴ و ماده ۸ قوانین ذکر شده را تأکیدی بر عمومیت و اطلاق اصل ۱۶۷ قانون اساسی می‌دانند ولی این تأکید، نمی‌تواند مجوزی باشد برای این که قاضی از نظر موازین حقوقی، ارتداد را جرم اعلام کند. زیرا این مواد با اصل ۳۶ تعارض دارند و در صورت تعارض عادی با قانون جرم اعلام کند، مقدم است، پس اصل ۳۶ بر ماده ۲۸۹، ۲۹، ۲۲۰، ۳۷۴ و ۸ تقدم دارد و از سوی دیگر تعمیم اصل ۱۶۷ به حقوق کیفری قابل تأمل بوده و ظاهراً محدود به حوزه حقوق مدنی است و به نظر می‌رسد نتوان ارتداد را از نظر موازین حقوقی (کیفری)، به استناد این مواد جرم محسوب کرد.

(ب) ماده ۲۶ قانون مطبوعات

۳. تدرء الحدود بالشبهات.



# 5<sup>th</sup> National Conference on Management & Humanistic Science Research in Iran

5 July 2018 - Tehran University

پنجمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران  
۱۴ تیر ۱۳۹۷ دانشگاه تهران

ماده ۲۶ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴، اصلاحی ۱۳۷۹ مقرر می‌دارد: «هرکس به وسیله مطبوعات، به دین مبین اسلام و مقدسات آن اهانت کند در صورتی که به ارتداد منجر شود، حکم ارتداد، در حق وی صادر و اجرا و اگر به ارتداد نینجامد، طبق نظر حاکم شرع براساس قانون تعزیرات، با وی رفتار خواهد شد.»

بحث اصلی را در این ماده اهانت به دین مبین اسلام و مقدسات آن در بردارد که به دو قسمت تفکیک شده است:

۱. صدور حکم ارتداد در صورتی که اهانت، به ارتداد منجر شود؛

۲. مجازات شخص براساس قانون تعزیرات در صورتی که اهانت وی به ارتداد نینجامد.

این ماده نیز مشکلی را حل نمی‌کند، به بیان دیگر، مشکل هم چنان باقی است ولی این که حکم ارتداد چیست؟ و آیا صدور این حکم طبق موازین فقهی خواهد بود یا براساس قانون؟ در این ماده، مبنای قانونی حکم نیامده است. در قسمت دوم (اگر به ارتداد نینجامد) نیز به طور کلی به قانون تعزیرات اشاره کرده ولی از ماده یا مواد مربوط به آن و میزان مجازات، چیزی ذکر نگردیده است و مشخص نیست که در چنین مواردی چه باید کرد؟ آیا باید به سراغ مجازات‌های شرعی رفت یا این که می‌توان مجازات قانونی از جمله مجازات مقرر در ماده ۲۰ لایحه قانونی مطبوعات<sup>۴</sup> مصوب شورای انقلاب ۱۳۸۵/۵/۲۵ را اعمال نمود؟

6

در ظاهر با توجه به ماده ۴۸ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۷۹ که کلیه قوانین مغایر با این قانون از جمله لایحه قانونی مطبوعات مصوب ۱۳۵۸ را لغو و نسخ اعلام کرده، امکان استناد به ماده ۲۰ وجود ندارد. شاید مراد قانونگذار از عبارت «قانون مطبوعات» در ماده ۲۶ قانون مطبوعات، فصل دوم از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) باشد که تحت عنوان «اهانت به مقدسات مذهبی و سوء قصد به مقامات داخلی» تنظیم شده است. این فصل ۳ ماده دارد که ماده ۵۱۳ آن در رابطه با اهانت به مقدسات اسلام است. در این ماده نیز حکم «ساب‌النبی» مطرح شده است و همان طور که پیش از این گذشت، نمی‌توان درباره ارتداد به این ماده استناد کرد.

## ج) ماده ۵۱۳ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵

شایان ذکر است، حکم سب‌النبی و توهین به مقدسات در ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی تصریح شده و در آن ماده آمده است: «هر کس به مقدسات اسلام یا هر یک از انبیای عظام یا ائمه طاهیرین یا حضرت صدیقه طاهره (س) اهانت نماید اگر مشمول حکم سب‌النبی باشد، اعدام و در غیر این صورت به حبس از یک تا پنج سال، محکوم خواهد شد.»

۴. ماده (۲۰) مقرر می‌دارد: «هر کس به وسیله مطبوعات به دین مبین اسلام و مقدسات آن یا سایر مذاهب رسمی کشور اهانت کند. به ۶ ماه تا ۲ سال حبس جنحه‌ای محکوم می‌شود.»





# 5<sup>th</sup> National Conference on Management & Humanistic Science Research in Iran

5 July 2018 - Tehran University

## پنجمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران ۱۴ تیر ۱۳۹۷ دانشگاه تهران

آیا می‌توان مرتد را نیز طبق این ماده، به اعدام یا حبس محکوم کرد؟ ماده قانونی ساکت است و چون در این ماده، نامی از ارتداد برده نشده است. ظاهراً در قانون نمی‌توان مرتد را به مجازات مذکور در این ماده محکوم کرد.

### د) ۲۶۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

ماده ۲۶۲ مقرر می‌دارد: «هر کس پیامبر اعظم(ص) و یا هر یک از انبیاء عظام الهی را دشنام دهد یا قذف کند سب‌النبی است و به اعدام محکوم می‌شود.»

آیا می‌توان مرتد را نیز بر طبق این ماده، به اعدام یا حبس محکوم کرد؟ قانون در این باره ساکت است. مضافاً اینکه حکم اعدام در این ماده به صرف دشنام و قذف به پیامبر(ص) و انبیای عظام، یک جرم خاص است و نمی‌تواند دربردارنده عمومیت ارتداد باشد. مگر اینکه بنا بر قیاس در برخی از موارد و مصادیق ارتداد بتوان این ماده را تعمیم داد.

### ه) در ماده ۲۹ قانون شوراها (قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخابات شهرداران مصوب ۱۳۷۵

در ماده ۲۹ قانون شوراها یازده گروه از داوطلب شدن برای عضویت در شوراها، محرومند که در بند «ه» محکومین به ارتداد، از جمله آن‌ها هستند. این ماده نیز نمی‌تواند کمکی به جرم انگاری ارتداد کند. زیرا این ماده صرفاً حکم ارتداد مشمولین این بند را بیان نموده بودن اینکه خصوصیت، ویژگی و یا قیدی برای ارتداد این اشخاص اضافه کرده باشد.

در نهایت اگر چه در قانون مجازات جدید و قانون مطبوعات، به ارتداد اشاره گردیده و حتی عبارت «حکم ارتداد» نیز آمده است ولی در قوانین فعلی کشور، مجازاتی را برای ارتداد تعیین نکرده‌اند و در ظاهر طبق ماده ۲ قانون مجازات اسلامی و اصل ۳۶ قانون اساسی، از نظر قانونی نمی‌توان ارتداد را جرم محسوب و برای آن حکم مجازات صادر و اجرا کرد. اما از آنجایی که معتقدیم جرم ارتداد یک جرم فقهی است و در فقه برای آن شدیدترین مجازات‌ها را تعیین کرده‌اند، همچنین جامعه ما بر پایه اسلام و مقدسات مذهبی استوار است و نیز به مواردی برمی‌خوریم که به ارتداد محکوم و مجازات شده‌اند، ناگزیریم که بگوییم قاضی به استناد یکی از این مواد قانونی در جرم انگاری ارتداد عمل می‌کند. هر چند خلاءهای موجود در این زمینه و فقدان قانون و مواد صریح در این رابطه کاملاً مشهود است.

### ۳. عناصر جرم ارتداد در حقوق موضوعه

با فرض جرم انگاری ارتداد بنا بر یکی از مواد و اصول قانونی یاد شده در بالا می‌توان عناصر قانونی، مادی و معنوی این جرم را به صورت زیر شرح داد؛

#### الف) عنصر قانونی ارتداد

بنا بر استدلال‌های موجود و پذیرش جرم ارتداد به عنوان یک جرم قانونی، عنصر قانونی این آن شامل اصل ۱۶۷ قانون اساسی مصوب ۱۳۶۸، ماده ۲۹ قانون تشکیل دادگاه‌های کیفری یک و دو مصوب ۱۳۶۸، ماده ۸ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب



# 5<sup>th</sup> National Conference on Management & Humanistic Science Research in Iran

5 July 2018 - Tehran University

پنجمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران  
۱۴ تیر ۱۳۹۷ دانشگاه تهران

مصوب ۱۳۷۳، ماده ۲۸۹ اصلاحی قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۶۱، ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، ماده ۳۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، ماده ۲۶ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۷۴ اصلاحی ۱۳۷۹، ماده ۵۱۳ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵، ماده ۲۶۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، ماده ۲۹ قانون شوراها (قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراها) اسلامی کشور و انتخابات شهرداران) مصوب ۱۳۷۵، می‌تواند باشد.

## ب) عنصر مادی ارتداد

عنصر مادی یعنی عنصر خارجی، ملموس و محسوس که به سبب آن ارتداد عینیت می‌یابد. به عبارت دیگر، اظهار موجبات ارتداد، عنصر مادی این پدیده به شمار می‌آید. از نظر فقهی، در مجموع ۳ نوع ارتداد قابل فرض است: تحقق ارتداد با نیت و عزم صرف، ارتداد قولی و ارتداد فعلی (محقق داماد، ۱۳۷۵: ۴۴۳). آنچه باعث جرم شده و مجازات دنیوی بر آن مترتب می‌گردد، ارتدادی است که با گفتار یا رفتار اظهار شود؛ مانند سخنرانی، نوشتن کتاب، مقاله و... ارتداد هم تا وقتی ابراز نشود، جرم حقوقی نیست. بنابراین هم با فعل و هم با ترک فعل محقق می‌شود. این جرم ممکن است با الفاظ، نوشته‌ها، افعال، حرکات، اشاره‌ها و ابزار دیگری رخ دهد و آنچه در این جا اهمیت دارد، حصول نتیجه یعنی انکار ضروریات دین نزد دیگران است. جرم ارتداد، یک جرم مقید است؛ یعنی در صورتی رخ می‌دهد که انکاری صورت یابد. از همین روی چنان چه وسایلی که برای ارتداد به کار برده می‌شود از قبیل نطق، فریاد، مطالب چاپی و کتبی و بیان شفاهی یا ایما و اشاره، چنین قابلیت نداشتن یا کسی متوجه آن نشود، جرم ارتداد محقق نمی‌شود. میان رفتار فیزیکی و نتیجه آن، رابطه سببیت لازم است.

## ج) عنصر معنوی ارتداد

جرم ارتداد، از جمله جرایم عمدی است و مراد از عمدی بودن آن علم و آگاهی مرتکب به منکر بودن، رفتار، گفتار و نوشتار می‌باشد. سوءنیت عام در جرم ارتداد علم و آگاهی، عمد و قصد مرتکب به منظور انکار ضروریات دین سوءنیت خاص علم و آگاهی به ارتداد و مرتد شدن فرد با انکار ضروریات دین است ولو این علم، علم اجمالی باشد.

## ۴. جرم انگاری ارتداد در حقوق بشر

مسئله ارتداد از دو جنبه می‌تواند با حقوق ذاتی انسان ارتباط داشته باشد: آزادی تفکر، عقیده و بیان و آزادی دین و مذهب). آزادی تفکر و اندیشه یا آزادی دین و مذهب از آن رو مدنظر مکاتب حقوق بشری قرار گرفته است، که اولاً ممکن است در جوامعی محدودیت‌هایی از این دو جنبه وجود داشته باشد. ثانیاً برخی محدودیت‌ها در این خصوص با تکامل بشر مغایرت دارد.

## الف) آزادی تفکر، عقیده و بیان

آزادی تفکر به عنوان یکی از مقولات آزادی در مکاتب حقوق بشری قلمداد می‌شود که در مقام تعریف آن می‌توان گفت: حق ذاتی و غیر قابل سلب بشر نسبت به استفاده از قوه عقلانی انسان و اندیشه ورزی در کلیه اموری که عقل انسان قادر است به آن





# 5<sup>th</sup> National Conference on Management & Humanistic Science Research in Iran

5 July 2018 - Tehran University

## پنجمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران

۱۴ تیر ۱۳۹۷ دانشگاه تهران

ورود کند. از نظر اسلام همه انسان‌ها آزاد آفریده شده‌اند و حق دارند آزاد زندگی کنند (حائری شیرازی، ۱۳۹۰: ۹۳). آزادی که در زمره ارزنده‌ترین چهره‌های حقوقی است، از عالی‌ترین مواهب خدادادی برای انسان‌ها نیز به شمار می‌رود (جوادی‌آملی، ۱۳۸۳: ۱۰). آزادی چه به مفهوم فلسفی که همان اختیار است و چه به مفهوم حقوقی و سیاسی که همان حق انتخاب است، امری فطری است (عمید زنجانی و موسی‌زاده، ۱۳۹۱: ۶۸).

تفکر و اندیشیدن منطقی است؛ انسان یک قوه تفکر دارد که می‌تواند براساس آن بیندیشد و انتخاب کند. اما عقیده لزوماً چنین نیست و نوعی وابستگی است. «فرق است میان آزادی تفکر و عقیده، آزادی تفکر ناشی از همان استعداد انسانی بشر است که می‌تواند در مسائل بیندیشد. اما آزادی عقیده خصوصیت دیگری دارد هر عقیده‌ای ناشی از تفکر صحیح و درست نیست. منشأ بسیاری از عقاید یک سلسله عادت‌ها و تقلیدها و تعصب‌هاست» (مطهری، ۱۳۷۸: ۷-۶). و اصل ۲۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز مقرر می‌دارد: «هیچ کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد».

از دیگر مقوله‌های آزادی در نظام بین‌المللی حقوق بشر آزادی بیان است. معنای اولیه آن این است که انسان‌ها حق دارند در زندگی اجتماعی، حاصل تفکرات و باورهای خود را برای دیگران بازگو نمایند. آزادی بیان یک ارزش جمعی در جوامع است. لذا می‌توان دریافت که جرم‌انگاری ارتداد به آن معنا که اولاً عقیده انتخابی ممکن است نادرست باشد و ثانیاً ابراز و اعلان چنین عقیده‌ای قابل تعقیب خواهد بود (گان، ۲۰۰۳: ۲۰۰)، درک و دریافت متفاوتی در نظام حقوق بشر بین‌المللی به وجود می‌آورد که ناشی از آن است که در حقوق بشر بین‌المللی لازمه احترام به حیثیت ذاتی انسان این است که خواسته‌ها، تمایلات و انتخاب‌های هر انسانی باید محترم شمرده شود؛ یعنی چون هر انسانی محترم است، پس هر عقیده‌ای که انتخاب کرد، محترم است. اگر چه آن عقیده سخیف‌ترین و موهن‌ترین و متناقض‌ترین عقاید با شأن و مقام انسان باشد.

### (ب) آزادی دین و مذهب

آزادی مستلزم آن است که مانعی برای بروز استعدادهای کلی افراد وجود نداشته باشد. جهان بینی حقوق بشر بین‌المللی با باور به این که از نظر دین و مذهب نباید مزاحم کسی شد. در واقع این امور را جزء امور خصوصی و سلیقه‌ای و ذوقی می‌پندارند. اعلامیه جهانی حقوق بشر نه تنها دین را از عرصه زندگی اجتماعی، آزادی‌های اجتماعی و دغدغه‌های حقوق بشری حذف کرده، بلکه از آزادی مذهبی تفسیر مشروعیت ارتداد را ارائه می‌نماید. حال آن که به همان نسبت که در منطق حقوق بشر بین‌المللی اجبار به دین نقض آزادی عقیده است، ارتداد نسبت به دین و مخالفت با آن در سطح اجتماعی نیز باید انحراف از آزادی عقیده تلقی شود. با این وجود، آنچه اجمالاً قابل احراز است آن است که در حقوق بشر عدم اجبار در دین پذیرفته شده است (فلاح زاده، موسوی میرکلائی، ۱۳۹۶).

بنابراین حقوق بشر بین‌المللی در ماده ۱۸ اعلامیه حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ اشعار می‌دارد: «هر کس حق دارد از آزادی فکر، وجدان و مذهب بهره‌مند شود. این حق متضمن آزادی تغییر مذهب یا عقیده و همچنین متضمن آزادی اظهار عقیده و ایمان می‌باشد» و یا در ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ این حق را شامل «آزادی داشتن یا قبول یک مذهب یا معتقدات به انتخاب خود و نیز آزادی ابراز مذهب... خواه به طور فردی یا جمعی خواه به نحو علنی یا در خفا...» می‌داند و به



# 5<sup>th</sup> National Conference on Management & Humanistic Science Research in Iran

5 July 2018 - Tehran University

## پنجمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران

۱۴ تیر ۱۳۹۷ دانشگاه تهران

موجب ماده ۱۹ آن «هیچ کس را نمی‌توان به مناسبت عقایدش مورد مزاحمت و اخافه قرار داد. هر کس حق آزادی بیان دارد...»، همچنین در کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی مصوب ۱۹۵۰ نیز از این حیث در کنار اعلامیه جهانی قرار گرفته و در ماده ۹ به آزادی تغییر مذهب تصریح می‌نماید. و وجود مجازات اعدام برای ارتداد آزادی بیان، عقیده و مذهب را به خفقان کشانده و مفهومی از نابرابری فکری و سیاسی را ایجاد می‌نماید (نعیم، ۱۹۸۷: ۳۲۴). بعضاً نیز در دکترین حقوق بشر بین‌المللی در قبال جرم انگاری ارتداد توصیه به بردباری شده است؛ به ویژه آن گاه که ملاحظات نسبی‌گرایی فرهنگی در ارزیابی موضوع لحاظ گردیده است (دونلی، ۲۰۰۷: ۳۰۱). به این ترتیب از جمله انتقاداتی که همواره از جانب گفتمان نظری حقوق بشر بین‌المللی صورت می‌گیرد، منافات جرم‌انگاری ارتداد با حقوق بشر است. غالباً نواندیشی دینی نیز در این انتقاد با مواضع حقوق بشر بین‌المللی همسو می‌گردد.

### نتیجه

ارتداد به معنای عدول از دین اسلام و ورود به کفر است. با انکار یکی از ضروریات دین (خدا، نبوت، معاد) محقق می‌شود. بر دو قسم فطری و ملی است. در فقه شدیدترین مجازات را برای آن در نظر گرفته‌اند. اما قانون کشورمان درباره این جرم سکوت کرده و به تعریف و جرم انگاری آن توسط ماده صریحی اقدام نکرده دلیل این امر را مصالحی بیان داشته‌اند که قانون‌گذار به واسطه آن‌ها از طرح این حد خودداری کرده از آنجایی که معتقدیم جرم ارتداد یک جرم فقهی است و در فقه برای آن شدیدترین مجازات‌ها را تعیین کرده‌اند، همچنین جامعه ما بر پایه اسلام و مقدسات مذهبی استوار است و نیز به مواردی برمی‌خوریم که به ارتداد محکوم و مجازات شده‌اند، ناگزیریم که بگوییم قاضی به استناد یکی از این مواد قانونی در جرم انگاری ارتداد عمل می‌کند. هر چند خلاءهای موجود در این زمینه و فقدان قانون و مواد صریح در این زمینه کاملاً مشهود است. اظهار موجبات ارتداد، عنصر مادی این جرم را تشکیل می‌دهد، سوءنیت عام در جرم ارتداد علم و آگاهی، عمد و قصد مرتکب به منظور انکار ضروریات دین سوءنیت خاص علم و آگاهی به ارتداد و مرتد شدن فرد با انکار ضروریات دین است ولو این علم، علم اجمالی باشد. در حقوق بین‌المللی این جرم ناقض حقوق بشر است.

### منابع

۱. ابن فارس، ابن زکریا، معجم المقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمدهارون، ج ۲، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴.
۲. ابن قدامه، احمد بن محمد، تحقیق در دو نظام حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب، تهران، دفتر خدمات، چاپ اول، بی‌تا.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، ج ۵، ۱۳، لسان العرب، بیروت، دار الحیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ق.
۴. امیرزاده جیرگلی، منصور، جرم و عناصر تشکیل دهنده آن در حقوق جزای وضعی (عرفی) و اسلامی، نشریه تخصصی فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب، پیش شماره سوم، زمستان ۱۳۸۲.
۵. الجبعلی العاملی، زین‌الدین (شهیدثانی)، مسالک الافهام فی شرح شرایع الاسلام، قم، افست، ۱۳۹۹.
۶. الجبعلی العاملی، زین‌الدین (شهید ثانی)، الروضه البهیمة فی شرح اللمعه الدمشقیه، المکتبه العلمیه الاسلامیه، ۱۴۱۰.
۷. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۱، ۳، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۸.
۸. الجنیدی، خلیل بن اسحاق، مختصر خلیل، اول، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۶ق.



# 5<sup>th</sup> National Conference on Management & Humanistic Science Research in Iran

5 July 2018 - Tehran University

پنجمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی در ایران  
۱۴ تیر ۱۳۹۷ دانشگاه تهران

۹. جوادی آملی، عبدالله، فلسفه حقوق بشر، تهران، اسراء، چ چهارم، ۱۳۸۳.
۱۰. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، ج ۲، بیروت، دارالملايين، ۱۴۰۴ق.
۱۱. حائری شیرازی، محی‌الدین و همکاران، رویکرد متعالی فقه اسلامی به حقوق بشر، قم، مؤسسه امام خمینی (ره)، چ اول، ۱۳۹۰.
۱۲. خراسانی، ملا محمد کاظم، کفایه الاصول، چاپ اول، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۲۱ ق.
۱۳. خمینی (امام)، روح الله موسوی، تحریر الوسیله، ج ۲، الطبعة الثانی، نجف، مطبعة الآداب، ۱۴۰۴.
۱۴. الرفاعی القزوینی، العزیز شرح الوجیز المعروف با شرح الکبیر، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ق.
۱۵. رحیمی، مرتضی، مطالعه تطبیقی در زمینه ارتداد و احکام و آثار آن، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره پانزدهم، شماره دوم، بهار ۱۳۷۹.
۱۶. روزنامه خراسان، ارتداد کلامی و فقهی، شماره ۱۵۴۲۱، ۱۳۸۱/۸/۲۵.
۱۷. شیخ طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، خلاف، بیروت، دار الکتب العربیه، الطبعة الثانی، ۱۴۰۰ق.
۱۸. صادقی، محمد هادی، حقوق جزای اختصاصی، ج ۱، چ دوم، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۸.
۱۹. عمید زنجانی، عباسعلی و ابراهیم موسی زاده، بایسته‌های فقه سیاسی، تهران، مجمع علمی و فرهنگی مجد، چ دوم، ۱۳۹۱.
۲۰. فلاح زاده، علی محمد و موسوی میرکلانی، سید طه، تحلیل جرم انگاری ارتداد در مواجهه حقوق بشر اسلامی و حقوق بشر بین المللی: دیالکتیک حقوق بشر و حقوق شهروندی، دوفصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال ششم، شماره سیزدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۶.
۲۱. فیض، علیرضا، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۹.
۲۲. کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، چ بیستم، تهران، شرکت انتشار با همکاری شرکت بهمن برنا، ۱۳۷۴.
۲۳. محقق حلی، ابوالقاسم نجم‌الدین جعفر، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، تهران، منشورات اعلمی، چ اول، ۱۳۸۹.
۲۴. محقق داماد، سید مصطفی، ارتداد دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج ۷، تهران، بنیاد دایره المعارف اسلامی، ۱۳۷۵.
۲۵. محقق داماد، سید مصطفی، چشم اندازی بر حدود و اجرای علنی آن (گفتگو)، مجله تخصصی دانشگاه علوم رضوی، فصلنامه پژوهشی علوم انسانی (الهیات و حقوق) ویژه حقوق، سال اول، شماره دوم، زمستان ۱۳۸۰.
۲۶. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، سیری در سیره نبوی، تهران، صدرا، ۱۳۷۸.
۲۷. نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، چ دوم، تهران، انتشارات کانون وکلای دادگستری، ۱۳۷۵.
۲۸. اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸.
۲۹. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۸.
۳۰. قانون اصلاحی آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۶۱.
۳۱. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲.
۳۲. قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳.
۳۳. قانون تشکیل دادگاه‌های کیفری یک و دو مصوب ۱۳۶۸.
۳۴. قانون مجازات اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۲.
۳۵. قانون مطبوعات کشور مصوب ۱۳۶۴ و اصلاحی ۱۳۷۹.
۳۶. کنوانسیون اروپائی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی مصوب ۱۹۵۰.



# 5<sup>th</sup> National Conference on Management & Humanistic Science Research in Iran

5 July 2018 - Tehran University

پنجمین همایش ملی پژوهش‌های مدیریتی و علوم انسانی در ایران  
۱۴ تیر ۱۳۹۷ دانشگاه تهران



۳۷. میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب سال ۱۹۶۶.

38. An-Naim, Abdollah, Islamic Law, International Relations and, Human Rights: Challenge and Response, Cornell International Law Journal, No.8, 1987.
39. Donnelly, Jack, The Relative Universality of Human Rights , Human Rights Quarterly, Vol. 29, No 1, 2007.
40. Gunn, T. Jeremy, “The Complexity of Religion and the Definition of Religion in International Law”, Harvard Human Rights Journal , Vol. 16, No. 1, 2003.